

زنی که برای تبلیغات سالن زیبایی اش اقدام به سوء استفاده از یک دختر نوجوان و معرفی او به عنوان یک نوجروس کرده بود، بازداشت شد. سرهنگ داوود مغظمی گودرزی، رئیس پلیس فتای تهران بزرگ در این باره به جام جم گفت: ویدئویی از یک دختر خردسال در فضای مجازی منتشر شد که او را به عنوان نوجروس معرفی کرده بود. انتشار این ویدئو موجی از واکنش منفی افکار عمومی و به خصوص کاربران فضای مجازی و فعالان حوزه حقوق کودک

## بازداشت مروج کودک همسری در اینستاگرام

**۴ روز جست وجو برای یافتن کودکی در کلاله، بی نتیجه مانده است**

# یک شهر در پی «یسنا»



امدادگران بی نتیجه ماند و این بی خبری به روز چهارم نیز کشیده شد.

#### ❦ دختر بچه چگونه گم شد؟

یکی از بستگان یسنا در گفت وگو با جام جم در مورد گم شدن یسنا گفت: پدر یسنا چهار معلولیت است و امکان کار ندارد. مادر یسنا همراه دیگر اهالی در مزارع مشغول کار است و گاهی دختر بچه را با خود به مزارع می برد. روز حادثه مادر یسنا مشغول کار بود و دختر کوچولو در کنار دیگر کودکان بود که یکباره یکی از کودکان به محل کار مادر او می آید و می گوید یسنا گم شده است.

وی ادامه داد: وقتی ظهر متوجه گم شدن یسنا شدیم، همگی جست وجو را آغاز کردیم اما هیچ خبری ردی از او نبود. همزمان با شروع جست وجوهای هلال احمر آگهی می گم شدن کودک را در فضای مجازی منتشر کردیم تا شاید ردی از او به دست بیاید. روزانه چندین تماس داریم اما هیچ کدام به سر نخي نمی انجامد. به گفته این زن، خانواده یسنا و اهالی روستا چهار روز است که خواب به چشمان شان نمی آید و همه در جست وجوی او هستند. ما هنوز امیدواریم که بتوانیم یسنا را زنده پیدا کنیم.

#### ❦ حضور تیم های موتورسوار، بالگرد و سگ های زنده یاب

قاسم غریب آبادی، مدیرعامل هلال احمر گلستان در گفت وگو با

جام جم با اشاره به آخرین وضعیت جست وجوی دختر گمشده گفت: محل گم شدن دختر چهار ساله منطقه وسیعی است که مزارع کشاورزی را شامل شده و دارای پستی و ارتفاعات زیادی است. به علت وسعت منطقه پس از اعلام مفقودی او تمام امکانات خود را به کار گرفتیم. سگ های زنده یاب به همراه تیم های جست وجو و نجات زمینی در حال بررسی منطقه برای پیدا کردن ردی از دختر بچه گمشده هستند. به گفته وی، با یک فروند بالگرد از روز سوم جست وجوی هوایی هم آغاز شده و بالگرد با پرواز در منطقه در حال گشت زنی برای پیدا کردن دختر بچه یاردی از اوست.

مدیرعامل هلال احمر استان گلستان با بیان این که از سازمان امداد و نجات در تهران هم برای یافتن یسنا درخواست کمک شد، گفت: تیم های موتورسوار هلال احمر و مردمی، بالگرد کمکی استان سمنان، تیم های زمینی و حتی هلی شات ها در حال جست وجو هستند و امیدواریم ردی از این دختر پیدا شود.

#### ❦ درخواست تیم جست وجو و امام جمعه کلاله از مردم

یکی از نیروهای جست وجو با بیان این که مردم برای پیدا کردن یسنا به منطقه آمده اند، گفت: از مردم می خواهیم به هلال احمر اعتماد و به ما در جست وجو کمک کنند. وقتی به مردم نگران می گوئیم وارد منطقه ای نشوند، به این دلیل است که ما مشغول جست وجو با سگ های

مشتری و دنبال کننده در اینستاگرام بوده و به هیچ عنوان صحت ندارد. این زن پس از مواجهه با ماموران اعلام کرد از عواقب کار خود بی اطلاع بوده و ضمن ابراز پشیمانی از عمل خود گفت، دختر نوجوان فرزند یکی از مشتریان آرایشگاهش بود و چون قصد داشته اقدام به ایجاد تبلیغ در فضای مجازی کند، او را به عنوان یک عروس معرفی و آرایش کرده است. با تشکیل پرونده قضایی، برای این زن قرائنونی صادر و صفحه مجازی او نیز در اینستاگرام مسدود شد.



زنده یاب، بالگرد و هلی شات هستیم و امدادگران هرگونه تحرک را بررسی کرده و در صورت تجمع افراد در مزارع که بسیار وسیع است، ممکن است دچار اشتباه شوند.

امام جمعه کلاله هم با حضور در منطقه و بازدید از روند جست وجو ها از مردم خواست با هلال احمر همکاری کرده و بدون هماهنگی دست به اقدامی نزنند که موجب ایجاد زحمت برای تیم های امدادی می شود.

#### ❦ جست وجوی گودال های آب و لانه حیوانات

فرهاد شبیک، فرماندار کلاله دیروز با اشاره به این که پس از گذشت چهار روز هیچ ردی از دختر بچه چارساله به دست نیامده، گفت: پس از شروع جست وجو برای پیدا کردن یسنا، کودک گمشده از سوی هلال احمر، در حال حاضر علاوه بر تیم های امدادی، پلیس، بسیج و ۳۰۰ نفر از اهالی روستا و روستاها و شهرهای اطراف در منطقه وسیع دشت ها در حال جست وجو برای پیدا کردن ردی از یسنا هستند.

به گفته وی تمام گودال های آب توسط تیم های امدادی و سگ های زنده یاب جست وجو شده ولی ردی از او به دست نیامده است. در حال حاضر لانه حیوانات هم بررسی می شود. تمام جاله ها و گودال های آب و گل های اطراف مزارع با فرضیه افتادن کودک درون آن با پمپ آب یا بیل مکانیکی تخلیه شد اما چیزی به دست نیامد. عملیات جست وجو همچنان ادامه دارد و قصدی برای متوقف کردن آن نداریم.

#### محکمه

## نقشه سیاه برای فرار از بدهی ۲۰۰ میلیونی

مردی که متهم است برای فرار از بدهی ۲۰۰ میلیونی، همکارش را آزار داده و از او فیلم سیاه تهیه کرده در دادگاه منکر ماجرا شد. به گزارش خبرنگار جام جم، تحقیقات درباره این پرونده از سال گذشته و با شکایت زن ۳۷ ساله‌ای در پلیس آگاهی آغاز شد. این زن در شکایت خود گفت: سال هاست در یک کارگاه تولید اسباب بازی مشغول به کار هستم. چند ماه قبل یکی از همکاران، به نام سهیل درباره مشکلات مالی اش با من درددل کرد. برای تمديد اجاره خانه اش نیاز به پول داشت و می گفت اگر خانه را تمديد نکند زندگی اش از هم می پاشد. با این حرف ها فریبم داد و من هم بدون اجازه شوهرم به او ۳۰۰ میلیون تومان قرض دادم. قرار بود وامی بگیرد و بدهی اش را بدهد اما این طور نشد. بعد از مدتی نکند بدهی را ترک کرد و به محل دیگری رفت. ششیرین ادامه داد: چند بار با تلفن همراهش تماس گرفتم اما جوابم را نمی داد. به همین خاطر دنبال محل کار جدیدش گشتم و بالاخره پیدایش کردم. سراغش رفتم و خواستم پولم را بدهد، چون اگر شوهرم متوجه شود، دعو ا را می اندازد. او خواست به داخل کارگاه بروم تا درباره نحوه بازپرداخت پول

#### عدلیه

## قتل راننده بر سر نوبت خاکبرداری

دو راننده کامیون بر سر نوبت خاکبرداری زمین با هم درگیر شده و یکی از آنها به قتل رسید.

به گزارش خبرنگار جام جم، شامگاه دوم اردیبهشت امسال وقوع درگیری خونینی در محله خزانه تهران به پلیس ۱۱۰ گزارش شد. همزمان با حضور مأموران در محل درگیری معلوم شد مردی زخمی شده و توسط نیروهای امدادی به بیمارستان منتقل گردیده است.

مأموران با تحقیق از شاهدان ماجرا متوجه شدند سه مرد در آن دعوا

بودند که متواری شدند. این در حالی بود که

ساعاتی بعد مرد زخمی در بیمارستان فوت کرد.

خانواده مقتول نیز شناسایی شدند و با تحقیقات از آنها معلوم شد مقتول، راننده کامیون بوده و با همکاری اش اختلاف کاری داشته و آن روز برای حل مشکلات به دیدن او رفته بود. مأموران در پی سه متهم فراری بودند که معلوم شد یکی از آنها همکار مقتول بوده و در کانال تلگرامی با برتری کاری خوانی کاری داشتند. در ادامه تحقیقات پلیسی یکی از مهاجمان فراری بازداشت شد و گفت: مقتول با پسر دایی ام سر مسائل کاری اختلاف داشت و درگیر بودند. آن روز هم من با دایی و پسر دایی ام سر قرار آنرا رفتم که درگیری با لاکرت و آن دو

# جام جم

## حوادث

۱۹

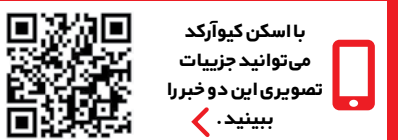
INCIDENT

پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۳ شماره ۶۷۵۶

#### تپش

#### خطر مرگ در مسیر مدرسه

روایت اهالی روستای کورکج از خطر مرگ که دانش آموزان را در مسیر مدرسه تهدید می کند.



#### عدلیه

### قتل پسردایی در پارک

پسری جوان که در بوستان ولایت پسر دایی اش را به قتل رسانده بود، بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، شامگاه بیست و هفتم فروردین امسال، یکی از مأموران حاضر در بیمارستان شهدای هفتم تیر در شهرری در تماس با بازپرس کشیک قتل به او اطلاع داد که پسری جوان با ضربه چاقو زخمی شده و در بیمارستان فوت کرده است. مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران تحقیقات را در این رابطه آغاز کردند و توانستند خانواده مقتول را شناسایی کنند. با تحقیق از آنها معلوم شد که با فرسید، پسردایی اش در بوستان ولایت قرار ملاقات داشته که آن مرد نیز ناپدید شده و کسی از او خبری ندارد.

مأموران به بوستان ولایت رفتند و به تحقیق از شاهدان پرداختند و عکس پسردایی مقتول را به آنها نشان دادند که آنها گفتند فرسید با جوانی درگیر شد و با چاقو او را زد و فرار کرد. مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران مطمئن شدند

که فرسید عامل جنایت است که او تحت تعقیب پلیس قرار گرفت تا این که دیروز در خانه یکی از دوستانش بازداشت شد. متهم برای ادامه تحقیقات به اداره دهم پلیس آگاهی تهران منتقل شد و گفت: با پسر عمه ام اختلاف های خانوادگی داشتم، مدتی بود او پشت سرم بدگویی می کرد و آبرویم را در خانواده برده بود. از این رفتارهایش عصبانی شده بودم. همین باعث شد که از او کینه به دل بگیرم. آن شب به بهانه پایان دادن به این مشکلات او را به بوستان ولایت کشاندم. دوباره حرف زدیم اما رفتار او مثل قبل بود و همچنان می خواست به تهمت زدن و بدگویی هایش ادامه دهد. با چاقویی که داشتم به او ضربه زدم و فرار کردم. متهم در بازداشت به سر می برد و تحقیقات از او در پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

### فرار برای انتقام عاشقانه

سارق شرور وقتی متوجه شد مردی جوان به دختر مورد علاقه اش نظر بد دارد، بعد از فرار از دست

پلیس، نقشه قتل او را طراحی کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، اواخر بهمن سال گذشته ساکنان یکی از محله های شهرری در خانه های شان بودند که صدای شلیک های پی در پی گلوله شنیدند و بیرون آمدند. مردی را در خیابان دیدند که مسلح بود و با سوار شدن به خودرویی فرار کرد. همچنین متوجه شدند شیشه مغازه نمایشگاه خودروی مرد همسایه شان تخریب و دو برادر که مالکان آن هستند، زخمی شده اند. با حضور امدادگران اورژانس دو برادر زخمی به بیمارستان منتقل شدند که ساعاتی بعد یکی از آنها فوت کرد. روز بعد با به هوش آمدن برادر مقتول، مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران از او تحقیق کردند که در اظهاراتش گفت: من و برادرم در نمایشگاه محل کارمان بودیم. شهرام که با او از قبل اختلاف هایی داشتیم به آنجا آمد. وینچستر همراه داشت. ابتدا شیشه های مغازه را تخریب کرد و بعد وارد شد و به سمت مان تیراندازی نمود.

بررسی ها نشان داد، شهرام سابقه دار است و پرونده هایی در زمینه سرقت مسلحانه و شرات دارد و مدتی است تحت تعقیب مأموران اداره یکم پلیس آگاهی و پلیس امنیت پایتخت قرار گرفته. سه ماه قبل از این جنایت، شهرام با یکی از دوستانش سوار موتور سیکلت شده و در حالی که مسلح بودند، رهگذران را تهدید کرده و در خیابان گوشی، پول و اموال قیمتی شان را به سرقت می بردند. او پس از سرقت هایش دستگیر اما موفق به فرار شده بود.

متهم دو شب پیش در خانه ای اطراف تهران شناسایی و بازداشت شد. او به اداره دهم پلیس آگاهی تهران انتقال یافت و ابتدا به تناقض گویی پرداخت اما وقتی با فیلم صحنه جنایت روبه رو شد به قتل اعتراف کرد و گفت: بابت سرقت و شرات هایم به زندان افتاده و دوره جسم را می گذراندم. در آنجا از طریق یکی از دوستانم که به تازگی به زندان آمده بود، شنیدم برادر مقتول درباره دختر مورد علاقه ام حرف هایی زده و حتی تصمیم به برقراری ارتباط با او گرفته بود. با شنیدن این حرف ها روانم به هم ریخت و از آن جوان کینه به دل گرفتم. وقتی می خواستند مرا برای تحقیقات به دادسرای دیگری ببرند، فرار کردم. سلاح وینچستر خریدم و به دنبال فرصت اجرای نقشه انتقام بودم. بهمن سال گذشته، نقشه را اجرا کردم اما برادر مرد مورد نظر را اشتباهی کشتم.

سرهنگ کار آگاه مرتضی نزاری، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ با تأیید این خبر به جام جم گفت: متهم در بازداشت به سر می برد و تحقیقات از او ادامه دارد.

#### ایلات حسین زاده

است در بخش

پیرسهراب چابهار که مثل برخی از روستاهای این استان، داغ فقر و محرومیت به پیشانی دارد، نه مرکز بهداشت دارد، نه جاده ارتباطی، نه مدرسه و نه حتی پلی ساده تا به گفته اهالی دل شان به داشتن همین یک فقره خوش باشد. تمام دردشان قفل ناپذیرد همین پل ساده است که چون ندارند، دانش آموزان کم سن و سال روستا مجبورند با طناب از روی رودخانه رد شوند. چند روز پیش فیلم یک دقیقه ای از وضعیت عبور و مرور آنها در فضای مجازی داغ شد که نشان می داد حوادث مرگباری جان شان را تهدید می کند. در روستای کورکج ۱۵۰ خانوار زندگی می کنند اما پشت آن ظاهر سبز و دلگشا و آسوده آب و هوای، مادرانی همیشه نگران سلامت فرزندان خود هستند که اگر به مدرسه رفتند، دوباره زنده به خانه برمی گردند. داوود تائی از اهالی این روستا به جام جم می گوید: چون مدرسه ندارند، بچه ها مجبورند از روی پل رودخانه عمیق کاجو رد شوند تا به روستای یازار باز. در ۱۰ کیلومتری کورکج پروند. پلی که تائی در موردش توضیح می دهد، دو تکه و طناب و سیم ۲۰ متری است که دو طرفش به دودرخت بسته شده. دانش آموزان با دودست طناب بالای سرشان را می گیرند و زیر پای شان



هم سیم نسبتا نازکی وزن بدن شان را تحمل می کند تا داخل رودخانه نیفتند. آنها برای رفتن به مدرسه دو راه بیشتر ندارند: یا باید از روی پل معلق رد شوند یا از مسیر دیگری که کلی زمان می برد: «بچه ها پنج روز در هفته به مدرسه می روند و پنج دقیقه طول می کشد تا از روی سیم و طناب رد شوند که خطرات مختلفی مثل حمله گاندوها و غرق شدگی تهدیدشان می کند. اگر از روی طناب رد شوند، ۲۰ دقیقه ای به مدرسه می رسند، در غیر این صورت، حدود ۵۰ دقیقه طول می کشد تا به مدرسه برسند.» دانش آموزان چارهای جز یادگیری بندبازی

#### برش

## به دنبال آرزوها

دو دانش آموزی که پنج روز در هفته از روی پل معلق رد می شوند،

کنار تائی ایستاده اند. هر دو ۱۲ ساله هستند. صدای شیفتن و خنده های زیر آبرو حسین و معاود را می شنوم.

❦ **امیرحسین نمی ترسی از روی پل رد بی شی؟**

چرا می ترسم غرق شوم یا بیفتم تو آب و گاندو منو بخوره.

❦ **تو که اینقدر می ترسی چطوری می ری روی طناب؟**

چون درس خوندم برام مهمه.

#### ❦ چرا؟

چون می خوام دکتر بشم.

❦ **معاود تو هم می ترسی؟**

آره خیلی.

❦ **خب چرا میری روپل؟**

چون تنها امید خانوادم. نمی خوام زندگی ام مثل اونا باشه.

❦ **تو می خوای چیکاره بی شی؟**

معلم.

❦ **آرزوت چیه؟**

دلم می خواست تو روستامون مدرسه داشتیم و مجبور نبودم از

روپل رد بشم و این همه راه برم.